

## نگرشی نقشی-رده‌شناختی به کارکرد ساخت‌های کامل در زبان فارسی

منصور رحیمی فرا<sup>۱</sup> (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

والی رضایی<sup>۲</sup> (دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

رضوان متولیان<sup>۳</sup> (استادیار زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

صص: ۱۳۹-۱۱۱

### چکیده

ساخت‌های کامل در زبان فارسی، از مقوله‌های دستوری بحث برانگیز و دارای پیچیدگی از جنبه صوری و معنایی است. علت این پیچیدگی را باید در این ویژگی جستجو نماییم که از یک سو با گذشته و از سوی دیگر با زمان حال پیوند دارد. هم گذشته و هم کامل در پیوند با رویدادی به کار می‌روند که پیش از هنگام گفتار رخ داده‌اند، هر چند در مورد ساخت کامل، بر خلاف گذشته، نقطه زمانی ویژه‌ای مد نظر نیست. ساخت کامل می‌تواند به همه بازه زمانی رخدادی که ما از آن گفتگو می‌کنیم یا به هر بخشی از آن پیوند داشته باشد. افزون بر این، پیوند رویداد با نقطه ارجاع وابستگی ساخت کامل را با زمان حال نمایش می‌دهد که در مورد گذشته نقلی، همان زمان گفتار یا «پیوند با اکنون» است. از سوی دیگر پیوند ساخت‌های کامل با نمود و زمان دستوری نیز به پیچیدگی آنها می‌افزاید. در این تحقیق به دو نوع ساخت کامل گذشته نقلی و گذشته نقلی استمراری می‌پردازیم. بر این پایه، انگیزه نگارش این نوشتار فراهم آوردن تبیینی از کارکردهای گوناگون این دو ساخت در زبان فارسی امروز است به ویژه این که فراوانی کاربرد آنها نسبت به سایر ساخت‌ها گسترده‌تر است. در این نوشتار، که داده‌های آن بیشتر از زبان گفتاری معاصر و از محتوای سریال‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی، گفتگوهای خبری، روزنامه‌ها، گاهنامه‌ها، پیکره زبانی بیجن خان و نیز در برخی زمینه‌ها برای پشتیبانی از پیشنهادها، از نثر گذشته فارسی نیز فراهم آمده است، با تحلیلی نقش‌گرایانه از ساخت‌های یادشده در چهارچوب رویکرد نقشی-رده‌شناختی دریافتیم که بارزترین کارکردهای گذشته نقلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۳

پست الکترونیکی: 1 mansourrahimifar@gmail.com 2. vali.rezai@fgn.ui.ac.ir 3. r.motavallian@fgn.ui.ac.ir

آگاهی‌های غیر مستقیم، فراکنش زمانی، کارکرد تجربی، خبر داغ، کارکرد جهانی و شگفت‌نمایی هستند و گواه‌نمایی و استمرار رویداد از مهمترین کارکردهای گذشته نقلی استمراری به شمار می‌رود. افزون بر این دو ساخت یاد شده هم‌زمان در بر دارنده مفهوم زمان و نمود هستند.

**کلیدواژه‌ها:** ساخت‌های کامل، رویکرد نقشی رده-شناختی، کارکرد، زمان، نمود.

#### ۱- مقدمه

این پژوهش کوششی است که در راستای شناساندن ویژگی‌ها و کارکردهای ساخت‌های گذشته نقلی و گذشته نقلی استمراری در چهارچوب رویکرد نقشی-رده‌شناختی انجام می‌پذیرد. وجه اشتراک این ساخت‌ها سازه صفت مفعولی به همراه یکی از صورت‌های فعل کمکی «بودن» است و معادل کامل<sup>۱</sup> در انگلیسی هستند. در دستورهای سنتی و پژوهش‌های زبان‌شناختی ساخت‌های کامل به گونه‌ای فراگیر مورد پژوهش قرار نگرفته است و همه زوایا و جوانب مجهول آنها واکاوی نگردیده است. بنابراین، این پژوهش در همین راستا انجام می‌پذیرد. انجام این پژوهش در گستره نمود و بررسی کارکردها و ویژگی‌های ساخت‌های کامل، از این جهت دارای ارزش و اهمیت است که نمود کامل در پدید آوردن گفتمان ارزشمند و ارزیابی آن نقش بنیادین دارد و در همان حال موضوعی تازه و درخور توجه در زبان‌شناسی به شمار می‌رود. بر این پایه، نوشتار کنونی، کارکردهای گوناگون ساخت‌های کامل و ویژگی‌های آنها را در زبان فارسی بررسی می‌نماید به ویژه به این دلیل که فراوانی کاربرد آنها از ساخت‌های دیگر بیشتر است. برای رسیدن به این هدف، از آنجا که در چهارچوب رویکرد نقش‌گرایی، داده‌های عینی در بافت واقعی، ملاک و معیار یک بررسی زبانی به شمار می‌رود، داده‌های این نوشتار بیشتر از گفتگوهای روزانه مانند گفتارهای فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، گفتگوهای خبری، مناظره‌ها، سخنرانی‌ها، و گفتگوهای مردم در بافت‌های گوناگون و نیز از روزنامه‌ها، مجله‌ها، پیکره بیچن‌خان و به اندازه اندک، از منابع نوشتاری گذشته گردآوری شده است. با نگرش به این که مقوله کامل با نحو، معنی‌شناسی، زبان‌شناسی شناختی، و تجزیه و تحلیل کلام پیوند دارد، این نوشتار زمینه را برای پژوهش‌های آینده رده‌شناختی و روشن شدن این وابستگی برای پژوهشگران زبان هموار می‌سازد. بنابراین، پس از تبیین

1. Perfect

ویژگی‌های نمود کامل از دیدگاه دستوری و واژگانی و وابستگی آن با مقوله زمان دستوری و زمان تقویمی، با آوردن نشانه‌های صوری، معناشناختی و دلیل‌های کاربردشناختی دیگر به دنبال تبیین کارکردهای بارز این ساخت‌ها و پیوند آنها با زمان حال و گذشته هستیم و گرایش نمودی و زمانی آنها را بررسی می‌نماییم. بر این اساس، سوالات اصلی پژوهش حاضر عبارتند از:

- ساخت‌های گذشته نقلی و گذشته نقلی استمراری در زبان فارسی چه کارکردهایی دارند؟
- این ساخت‌ها چه ارتباطی با زمان و نمود دارند؟

## ۲- پیشینه

بررسی پیشینه این پژوهش پیرامون کارکردهای ساخت‌های کامل و نیز شیوه تعامل آنها با زمان دستوری از یک سو و مقوله نمود در زبان فارسی امروز از سوی دیگر، نشان می‌دهد اگرچه به شیوه پراکنده و غیر منسجم پژوهش‌هایی پیرامون این موضوع در زبان فارسی انجام گرفته است، کانون آنها بیشتر بر زمان دستوری و وجهیت بوده است و تبیین زبانشناختی کارکردهای گوناگون آنها و پیوندشان با مقوله نمود و زمان دستوری پژوهش دربرگیرنده‌ای انجام نگرفته است.

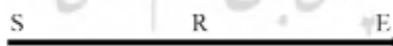
از هنگامی که به مقوله نمود زیر نام پدیده‌ای متفاوت از "زمان دستوری" از سوی زبان‌شناسان پرداخته شد، پژوهش‌های گوناگونی در پیوند با آن انجام شده است. آلن (۱۹۶۶): (۲۱۹) نمود را «بیان صوری نگرش ذهنی گوینده نسبت به یک رویداد در دنیای واقعی می‌داند.» رویکرد وی در وابستگی نمود با دستگاه فعلی زبان انگلیسی پیوند یک به یک میان ساخت و معنا، و تعامل بنیادین میان نمود تام و ناقص است. کامری (۱۹۷۶: ۳)، که از پیشگامان پژوهش در مورد نمود است و این پژوهش توجه ویژه به دیدگاه او در پیوند با نمود کامل دارد، نمود را «شیوه نگرش به ساختار درونی زمان در یک موقعیت» می‌داند. به سخن دیگر نمود به نوعی احساس سخنگویان از ساختار زمانی یک رخداد تعریف می‌شود. از سود دیگر، هنگامی که سخن از زمان دستوری به میان می‌آید، زبان‌شناسان به گونه‌ای قیاس زمان برحسب فضا یا خط زمان پافشاری می‌نمایند. خط زمان خطی است که از دو طرف نامحدود است و به سه بخش گذشته، حال و آینده تقسیم می‌گردد. نقطه‌های واقع بر خط زمان شاید با رویدادها هم‌زمان شوند یا جدا از آنها دریافت گردند. آن‌گونه که لاینز (۱۹۷۷: ۶۸۲) بیان نموده است

«زمان‌دستوری یک مقوله "اشاره‌ای" به‌شمار می‌رود. این بدان معنا است که زمان‌دستوری در باره جایگاه یک پدیده، به ما آگاهی‌رسانی می‌نماید. ایشان یک تعامل سه‌گانه گذشته، حال و آینده را برای زمان پیشنهاد می‌نماید و بر این باور است که این تعامل همچنان پابرجا و یک ویژگی جهانی زبان است. برای بازشناسی نمود از زمان، شکل زیر می‌تواند گویا باشد. اگر گمان کنیم که داخل قطار باشیم و حرکت آن را در نظر بگیریم، و یا از بیرون نظاره‌گر حرکت قطار باشیم:



شکل ۱. بازشناسی نمود از زمان

کمیجانی (۱۹۹۰: ۷۱) رویکرد رایشن‌باخ (۱۹۴۷) را در پیوند با زمان‌دستوری پیشنهاد می‌کند که بر پایه آن سه نقطه زمان رویداد<sup>۱</sup>، زمان گفتار<sup>۲</sup> و زمان ارجاع<sup>۳</sup>، برای تعریف زمان‌دستوری باید نگریسته شوند. تعامل این سه نقطه درباره گذشته نقلی به شرح زیر است:  $E < S = R$  یعنی زمان گفتار و ارجاع بر هم همپوشانی دارند و رخ دادن رویداد پیش از زمان ارجاع و زمان گفتار است. نمودار زیر خط زمان و نقطه‌های روی آن را نشان می‌دهد:



شکل ۲. نمودار چگونگی وابستگی زمان گفتار، زمان ارجاع و زمان رویداد در خط زمان

1. Event time (E)
2. Speech time (S)
3. Reference time (R)

با این گفتار، تفاوت میان دو جمله ۱ و ۲ از نوع زمان، و تفاوت میان جمله‌های ۳ و ۴ از نوع نمود است اگرچه در دستور سنتی تفاوت آنها را در زمان می‌پندارند:

۱. علی دارد نامه می‌نویسد.

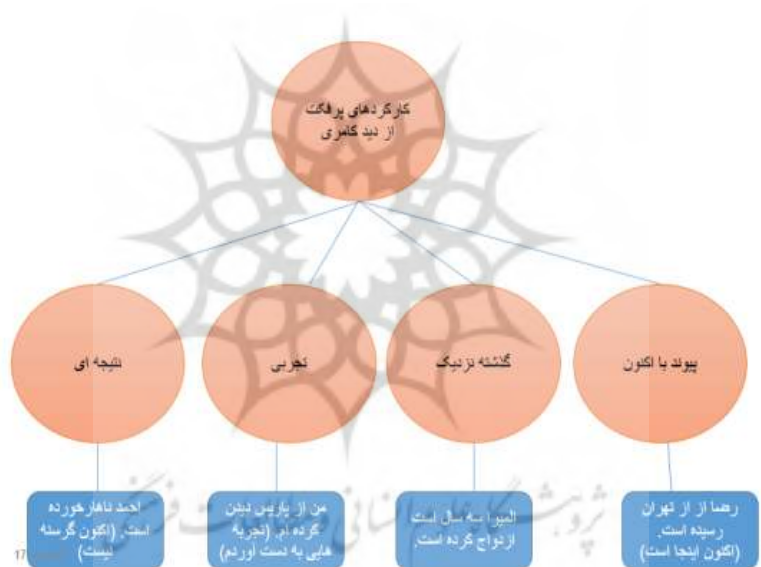
۲. علی داشت نامه می‌نوشت.

۳. علی نامه نوشت.

۴. علی داشت نامه می‌نوشت.

کامری (۱۹۷۶: ۵۶) چهار ویژگی برای ساخت کامل قائل شده است که ما آنها را در

نموداری به صورت زیر نمایش می‌دهیم.



شکل ۳. کارکردهای ساخت کامل

دستور نویسان و زبان‌شناسان ایرانی نیز در پیوند با ساخت‌های کامل پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. ناتل خانلری (۱۳۶۹: ۲۵۱) درباره گذشته نقلی بر این باور است که به حکم ساختمان آن واسطه میان گذشته و حال است. یعنی به حکم صفت مفعولی بر گذشته دلالت می‌کند و به حکم بخش دوم که معنی آن برابر فعل «بودن» در زمان حال است، مضارع به شمار می‌آید. بنابراین بر فعلی دلالت می‌کند که در زمان گذشته روی داده و دنباله یا نشانه آن تا زمان حال باقی مانده است. شریعت (۱۳۶۷: ۱۵۰) ادعا می‌نماید که در گذشته نقلی گاهی فعل معنی

ثبوت و گاهی معنی حدوث دارد. به باور وی ثبوت کاری است که هنوز کاملاً نگذشته باشد و حدوث رویدادی است که کاملاً گذشته باشد. از آنچه ایشان درباره گذشته نقلی آورده است چنین برمی‌آید که دو کارکرد "تجربی" و "وابستگی با حال" برای این ساخت متصور است، اگرچه ایشان از این اصطلاحات زبانشناختی استفاده نکرده است. افزون بر این، وی به کارکردهای دیگر آن مانند کارکرد «گواه‌نمایی» اشاره‌ای نمی‌کند. احمدی گیوی (۱۳۸۴) نیز دست کم سه کارکرد بیان تردید، بیان تعلیل و استمرار رویداد را برای گذشته نقلی استمراری بیان نموده است. انوری و گیوی (۱۳۹۰) یکی از کارکردهای گذشته نقلی را برای پیشامدی که قرار است در آینده رخ دهد بیان نموده‌اند و نمونه زیر را به عنوان گواه می‌آورند:

۵. سعید به مسافرت رفته و هنوز برنگشته.

کلباسی (۱۳۸۳) در پژوهش خود گذشته نقلی را در ۶۰ زبان ایرانی بررسی نموده و ۳۱ ساخت گوناگون از این مقوله را شناسایی نموده است. شُکری (۱۳۷۸) نیز گذشته نقلی را در گونه‌های استان مازندران بررسی نموده و گونه‌ای گذشته نقلی با فعل‌های متعدی را شناسایی نموده است. پژوهش دیگر در این بخش از غیوری و رضایتی (۱۳۹۱) است که در آن سه گونه ساخت گذشته نقلی را در شاهنامه شناسایی نموده‌اند. رضایی (۱۳۹۱) نمود استمراری را بررسی نموده است و بر این باور است که پیشوند فعلی "می" به تنهایی نمی‌تواند نشانه استمرار باشد. دستورنویسانی مانند شفایی (۱۳۶۳)، شُکری (۱۳۸۳) و خیام‌پور (۱۳۸۴) و زبان‌شناسانی همچون قریب (۱۳۸۴)، مجیدی (۱۳۸۸)، دستتان و همکاران (۱۳۹۵)، محمودی بختیاری (۲۰۰۲)، دوهان (۲۰۱۲) و برخی دیگر نیز در پیوند با زمان دستوری، نمود و ساخت‌های کامل پژوهش‌هایی با دستاوردهای کمابیش مشابه انجام داده‌اند.

### ۳- چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش رویکرد نقشی-رده‌شناختی است که یکی از رویکردهای برجسته در زبان‌شناسی امروز به‌شمار می‌رود و دربردارنده دیدگاه‌هایی است که نگرش‌ها و انگیزش‌های رده‌شناختی را بررسی می‌نماید. در این رویکرد ساخت زبان بر پایه نقش آن تبیین می‌گردد. به عبارت دیگر، برجسته‌ترین اصل در این رویکرد آن است که هدف بنیادین زبان، «ارتباط» میان انسان‌ها است و این نقش شکل‌دهنده ساخت‌هایی است که زبان‌ها به خود می‌گیرند. ادعای دیدگاه‌های نقش‌گرایی این است که چون زبان از پایه، یک ابزار به‌شمار

می‌رود، خردمندانه است بیندیشیم ساختارهای زبان با اشاره به نقش‌هایی که می‌پذیرند، به بهترین شیوه تحلیل‌پذیر هستند. نقش‌گرایی و رده‌شناسی وابستگی نزدیکی با یکدیگر دارند و تا اندازه‌ای در برابر رویکردهای ساخت‌گرایی قرار می‌گیرند که دستگاه قاعده‌های صوری زبان را بنیان تعریف بخش‌های گوناگون زبانی و شیوه وابستگی آنها با یکدیگر قلمداد می‌نمایند. به سخن دیگر، نگرش رویکردهای نقش‌گرایی، شیوه کاربرد واقعی زبان در بافت‌های ارتباطی است نه این که تنها به پیوندهای صوری میان عنصرهای زبانی نگریسته شود. به باور کرافت (۲۰۰۳: ۲۸۴) رویکرد نقشی-رده‌شناختی با فراگیرنمایی‌های بیرونی روساخت مانند جهانی‌های تلویحی آغاز می‌شود و با شتاب به سوی مفهوم‌های پنداشتی‌تر همانند تسلط، سلسله مراتب‌ها، سرنمون‌ها، تصویرگونگی و دستوری‌شدگی پیش می‌رود. وی پیوند رده‌شناسی و جهانی‌های زبان را گوشزد می‌نماید و می‌افزاید رده‌شناسی به یافتن جهانی‌های زبان و جهانی‌های رده‌شناسی یاری می‌رسانند. نقش‌گرایان و رده‌شناسان در تبیین دیدگاه‌های خود به عامل‌هایی همچون «تفاوت‌ها و شباهت‌ها، همگانی‌های زبان، جهانی‌های تلویحی، انگیزه‌های رقابت، نمونه‌برداری زبان‌ها، تصویرگونگی، پردازش، گفتمان و بافت زبان» می‌اندیشند. گیون (۲۰۰۱: ۲۹۳)، یک فرضیه بنیادین نقش‌گرا را واقعیتی می‌پندارد که زبان و دستور به عنوان یک دستگاه جداگانه نه تبیین می‌شود و نه توضیح داده می‌شود. او ساخت‌های کامل را پیچیده‌ترین و ظریف‌ترین مقوله‌ها در دستور برمی‌شمارد. این زبان‌شناس ساخت زبان را بازتاب مستقیم نیازهای ارتباطی بشر می‌داند. با نگرش به این که هر رویکرد واکاوی خود را بر پایه بازگویی یا تبیین بنا می‌نهد، وی پیشنهاد می‌نماید که هر تبیین نیازمند ارجاع به یک یا چند پارامتر طبیعی توضیحی، محتوای جمله‌ای، کاربردشناسی گفتار، پردازش، ساختارشناسی، کاربردشناسی، جهان‌بینی و مانند آن می‌باشد که آنها را «تبیین‌های بیرونی» نام‌گذاری می‌نامند. او که ساخت‌های کامل را برای رویدادی قلمداد می‌نماید که یا پیش از نقطه ارجاع زمانی رخ داده است و یا دست کم پیش از این نقطه زمانی آغاز گردیده‌اند، برای آنها چهار ویژگی پیش‌گامی، خاتمه، غیرمتوالی بودن و وابستگی معوق قائل می‌باشد که مجموع آنها در یک ساخت، طبیعی و کمابیش فراگیر است اگرچه به هیچ‌روی همگانی به شمار نمی‌روند. در پیوند با ساخت کامل، کیپارسکی (۲۰۰۲: ۱) نیز پنج خوانش تجربی، جهانی، نتیجه‌ای، حال ایستایی<sup>۱</sup>

و خوانش گذشته اخیر یا خبر داغ را به شیوه موازی برای این مقوله پیشنهاد نموده است. بر این پایه، نقش‌گرایان زبان را از دیدگاه کاربرد آن در موقعیت‌های گوناگون می‌نگرند و به معنای انتقال‌یافته در بافت‌های گوناگون تمرکز می‌نمایند. (همان: ۲۹۳-۲۹۷). این پژوهش از دیدگاه‌های زبان‌شناسانی همچون کامری (۱۹۷۶) و (۱۹۸۹)، بای بی و همکاران (۱۹۹۴)، گیون (۲۰۰۱)، کیپارسکی (۲۰۰۲)، آبخن‌والد (۲۰۰۴)، دوهان (۲۰۱۱)، کرافت (۲۰۱۲) و هادلستون (۲۰۱۲ و ۱۹۸۴) استفاده شده است.

#### ۴- روش‌شناسی

این پژوهش از گونه توصیفی-تحلیلی به شمار می‌رود و با یاری جست‌ن از شیوه تحلیل محتوا انجام می‌پذیرد که در آن بررسی بر روی ساخت‌های کامل زبان فارسی معیار، گونه گفتاری انجام می‌گیرد. در تحلیل محتوا جهت بررسی ساخت‌های کامل گذشته نقلی و گذشته نقلی استمراری از چهار معیار صوری، آوایی، معنایی و کاربردشناختی بهره می‌بریم و این معیارها را در پیوند با هرکدام از ساخت‌های یاد شده می‌آزماییم تا همسانی یا تفاوت آنها را با یافته‌های سایر پژوهش‌گران در زمینه ساخت‌های کامل بسنجیم. برای دستیابی به این فرجام، داده‌های زبانی دربرگیرنده ده‌ها فیلم سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها، گفتگوهای خبری یا چند نفره در محیط‌های واقعی، بهره‌گیری از پیکره بیجن‌خان، گاه‌نامه‌ها و تارنماها گردآوری شده است. افزون بر این، گاه بنا به نیاز برای روشن نمودن کاربرد ویژه از ساخت‌های کامل ناگزیر شدیم از برخی رمان‌ها، نوشته‌های پیشینیان و ششم زبانی نیز بهره‌گیریم. بدین منظور شواهد زبانی مشمول ساخت‌های یاد شده از منابع بالا با در نظر داشت بافت گفتاری، استخراج و کارکردهای آنها به گونه‌ای جداگانه شناسایی گردید. افزون بر این، تا جایی که امکان‌پذیر بود، کاربردهای عینی فارسی‌زبانان از ساخت‌های کامل در موقعیت‌های گوناگون طبیعی برای تحلیل و نتیجه‌گیری دقیق‌تر مورد استفاده قرار گرفت.

#### ۵- تجزیه و تحلیل و بررسی داده‌ها

این بخش را با یاری جست‌ن از معیارهای زبان‌شناختی صوری، آوایی، معنایی، در زمانی و نقشی با معرفی و کارکردهای گذشته نقلی آغاز می‌نماییم، آنگاه ویژگی‌ها و کارکردهای گذشته



نقلی استمراری را بیان می‌نماییم. همچنین پیوند میان زمان گذشته و حال را با این دو ساخت بررسی نموده گرایش زمانی و نمودی آن دو را بررسی می‌نماییم.

#### ۵-۱- گذشته نقلی

این عبارت از دو بخش تشکیل یافته است: "گذشته" و "نقلی". گذشته به معنی "پیشین" و منظور رویدادی است که در گذشته رخ داده است و "نقلی"، دست کم به دو معنا است: نخست از گزارش یک رویداد و دیگر از انتقال پیامد آن عمل تا هنگام گفتار حکایت دارد. در معنای نخست آگاهی غیر مستقیم و در معنای دوم پیوند رویداد با اکنون آشکار می‌شود. تعریف‌هایی که در دستورهای سنتی برای این گونه «گذشته» داده می‌شود آن اندازه بازتاب دهنده حقیقت نیست. همسو با آنچه شفایی (۱۳۶۳) در باره این ساخت گفته است، گذشته نقلی را می‌توانیم ساختی آمیخته از زمان حال با یک گذشته در درون خود بپذیریم. برای روشن نمودن این گفتار باید معنی بنیادین گونه گذشته نقلی را با نگرش به بخش‌های سازنده آن آشکار نماییم. گونه نقلی گذشته فارسی از به هم پیوستن یک صفت مفعولی (وابسته به گذشته) و فعل کمکی در شکل کوتاه شده آن (پیوند با اکنون) ساخته شده است. این پیوستگی گویای دو نقطه زمانی گذشته و حال است و بی‌گمان باید خود گونه یاد شده نیز این ویژگی را داشته باشد. ساخت گذشته نقلی نماینده رویدادی است که در گذشته انجام شده (یا گاهی آغاز شده) و آن رویداد در ساخت صفت مفعولی نمایان می‌شود. به سخن دیگر، ویژگی برجسته این ساخت پیوندی است که میان رویداد رخ داده در گذشته و زمان گفتار به چشم می‌خورد که بیشتر زبان‌شناسانی که از آنها در بخش چهارچوب نظری یاد نمودیم، از این ویژگی با نام «پیوند با اکنون» یاد می‌نمایند. این ویژگی در باره ساخت کامل هنگامی معنا پیدا می‌کند که با ساخت دیگری مانند گذشته ساده مقایسه گردد. کمابیش تمام زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی که درباره ساخت‌های کامل پژوهش انجام داده‌اند، در این نکته توافق دارند که یکی از کارکردهای ساخت گذشته نقلی پیوند رخداد گذشته نهفته در صورت فعلی با زمان گفتار است. براین پایه

اگر دو نمونه زیر را در نظر بگیریم:

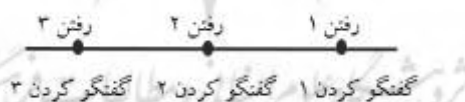
۶. علی به کتابخانه رفته است.

۷. علی به کتابخانه رفت.

یکی از دریافت‌هایی که از جمله ۶ آشکار می‌گردد این است که تا هنگام گفتار، علی در کتابخانه است، هرچند در جمله ۷ چنین دیدگاهی را نمی‌توان با قاطعیت بیان نمود. به سخن دیگر از ویژگی پیوند با اکنون ساخت گذشته‌نقلی جمله ۶ چنین دریافت می‌گردد که حضور علی در کتابخانه هنوز یک واقعیت است. در حقیقت رخداد و پیامد آن با هم آمیخته می‌شوند. افزون بر این، باید به این نکته اشاره کنیم که نتیجه بدست آمده از صورت کامل از معنی یا ویژگی‌های نمود واژگانی فعل و یا از بافت یا از هردو سرچشمه می‌گیرد و بنابراین انتصاب نقش نتیجه‌ای تنها به صورت فعل بی آنکه به نوع و بافت آن توجه داشته باشیم، چندان سخن درستی نیست. از سوی دیگر این آمیختگی گاه به پیچیدگی می‌انجامد. برای روشن شدن دلیل پیچیدگی گذشته‌نقلی جمله زیر را نمونه می‌آوریم:

۸. هر بار به این کلاس رفتم (رفته‌ام)، این دو دانشجو با هم گفتگو می‌کرده‌اند.

این رخداد از گذشته آغاز گشته است و من هر بار آنها را دیده‌ام آنها همین کار را می‌کرده‌اند. این رویداد همه بازه زمانی را در بر می‌گیرد، هرچند شاید دوره‌های زمانی جداگانه را هم دربرداشته باشد. در دوره‌های زمانی جداگانه، ممکن است نقطه‌های مرزی زمانی، با هم همپوشانی داشته باشند. نمودار زیر که الهام گرفته از مک‌کورد (۱۹۷۸) است، به خوبی مفهوم بالا را آشکار می‌سازد:



شکل ۴. نمایش شمار رخدادها در بازه زمانی با ساخت گذشته‌نقلی

همه رویدادهایی که در گذشته رخ داده‌اند، به گونه‌ای با اکنون پیوند دارند، چه از هنگام رخداد آنها زمان کمی گذشته باشد، چه در بازه زمانی بسیار زیاد از زمان حال رخ داده باشند. تردیدی نیست که چنانچه شخصی بخواهد بگوید که اتومبیلی خریده است به ویژه اگر اتومبیل جدیدی خریده باشد از صورت کامل استفاده می‌کند، زیرا «اتومبیل نو» خود نشانه‌ای بر این دیدگاه است که او هنوز آن اتومبیل را در مالکیت دارد و این رویداد، گذشته اخیر قلمداد می‌گردد؛ هرچند اگر منظور او گذشته نزدیک نباشد، صورت گذشته ساده به کار می‌برد. با این

همه، ما در باره رویدادی که بسیار دورتر از اکنون هم رخ داده است، می‌توانیم گذشته نقلی به کار بریم، مانند هنگامی که می‌گوییم:

۹. فردوسی شاهنامه را بیش از هزار سال پیش سروده است.

افزون بر این، رویکرد «پیوند با اکنون» که ویژگی گذشته نقلی به شمار می‌رود نمی‌تواند تنها به این ساخت محدود شود، زیرا چه بسا رویدادهایی وجود دارند که هرچند گذشته نقلی نیستند، ویژگی «پیوند با اکنون» در آنها آشکار است. برای نمونه جنگ ایران و عراق که بیش از سه دهه پیش رخ داد و در سال ۱۳۶۷ به پایان رسید، هرچند همه می‌پذیرند که سال‌های زیادی است که از سپری شدن این رخداد می‌گذرد، ولی مردم ایران همچنان با پیامدهای آن دست به گریبان هستند، با این وجود ما معمولاً جمله ۱۰ را به کار نمی‌بریم بلکه از شماره ۱۱ استفاده می‌کنیم:

۱۰. جنگی که در سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ به وقوع پیوسته است.

۱۱. جنگی که در سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ به وقع پیوست.

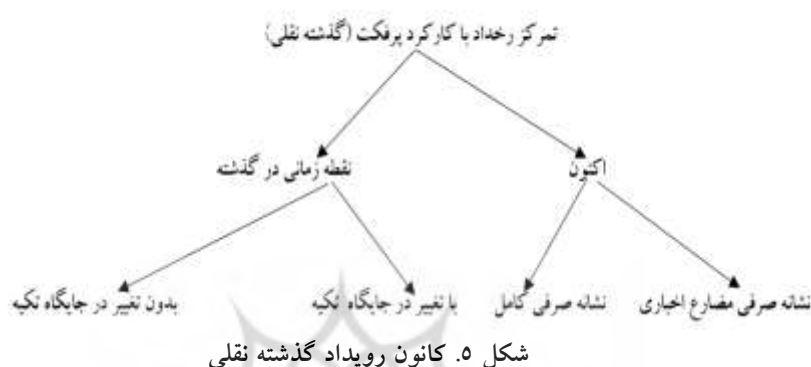
به‌کارگیری زمان‌های ویژه تا اندازه زیادی برگرفته از بافت گفتاری است که در آن به نمایش درآمده‌اند. بر این پایه، آشکار است که هر گویشور، با نگرش به «زاویه دید» خود به رویداد می‌نگرد، اگرچه بسیاری از ساخت‌های گذشته پیامدهایی به همراه دارند که با هنگام گفتار پیوند دارند و گمان می‌رود هیچ رخدادی در زنجیره کلان هستی، بی‌پیوند با «اکنون» نباشد. زیرا هر آنچه اکنون موجود است پیامد پیشامدهایی است که در گذشته رخ داده است. در فارسی اگر بتوانیم رخدادی را با گذشته ساده بیان کنیم، هسته آن گذشته است، هرچند اگر نتوانیم این کار را انجام دهیم کانون آن حال است. در این صورت «پیوند با اکنون» گذشته نقلی در فارسی دستوری شده است. در نمونه ۱۲ اینگونه پیداست که تمرکز ساخت کامل بر نقطه پیش از اکنون می‌باشد. هرچند در نمونه ۱۳ تاکید روی نبودن المیرا در هنگام گفتار می‌باشد و پافشاری برای رخداد گذشته:

۱۲. بفرمایید ناهار بخورید. (خوردم/ خورده‌ام)

۱۳. «چه خبر از المیرا؟» «رفته ایران.»

۱۴. «شکلات بردار.» «برداشتم. (برداشته‌ام) اینهاش!»

همانگونه که از شماره ۱۴ برمی‌آید، شاید گوینده هنوز شکلات را مصرف نکرده است و تاکید بر پیوند با اکنون می‌باشد. بر این پایه می‌توانیم الگوی زیر را در پیوند با کانون رویداد گذشته نقلی آشکار نماییم:



### ۲-۵- ویژگی‌های گذشته نقلی

در این بخش به تحلیل ساخت کامل گذشته نقلی، با کمک چهار معیار صوری، آوایی، معنایی و کاربردشناختی می‌پردازیم گرایش آن را به زمان و نمود بررسی می‌نماییم.

#### ۲-۵-۱- معیارهای صوری و آوایی

در فارسی امروزی، گذشته نقلی با صفت مفعولی به همراه صورت‌های حال فعل کمکی «استن» ساخته می‌شود. جنبه‌های گوناگون معنایی ساخت گذشته نقلی از بخش‌های نحوی-واژگانی آن پدید می‌آید. در واکاوی ساخت گذشته نقلی، معیار آوایی از آن روی اهمیت پیدا می‌کند که فارسی‌زبانان ایرانی، به ویژه در گفتار، برای اول شخص و دوم شخص، فراوان از صورت‌های تخفیف یافته کامل استفاده می‌کنند. برای نمونه، هنگامی از کسی که تازه صبحانه خورده است خواسته می‌شود به میز صبحانه بیاید، پاسخ می‌دهد:

۱۷. من صبحانه خوردم. /mæn sobhane xord' a:m/

دو ویژگی زبرنجیری در چگونگی ادای این جمله به چشم می‌خورد: یکی «کشش» و دیگری «جایگاه تکیه». در حالت عادی، تکیه فعل، بر آخرین هجای نخستین سازه قرار می‌گیرد. در باره نمونه بالا، تکیه روی دومین هجای نخستین سازه واقع شده است. چرا قاعده

جایگاه تکیه برهم خورده است؟ پاسخ این است که زبانمند با دگرگونی جایگاه تکیه این تفاوت را به شنونده انتقال می‌دهد. از سوی دیگر، هنگام تلفظ ساخت «خوردم» گونه‌ای «کشش» در هجای دوم به گوش می‌رسد. این کشش از نوع کشش جبرانی نیست بلکه نقش دستوری بر عهده دارد. این دو ویژگی آوایی در تشخیص گونه ساخت، به گوینده و شنونده یاری می‌رساند تا پیوند گفتاری به شیوه درست برقرار گردد.

### ۵-۲-۲- معیار معنایی

با نگرش به معیار معنایی، گذشته نقلی کمابیش بازتاب دهنده معنای سازه‌های دو بخش این ساخت به شمار می‌رود، با این رویکرد هر گونه صورت فعلی که نشان دهنده کار یا وضعیتی باشد که پیش‌تر از زمان گفتار رخ داده باشد و تأکید بر پیامد آن داشته باشد تا خود رخداد، با گذشته نقلی آشکار می‌گردد. از نقطه نظر «جایگاه زمان» تفاوتی میان ساخت گذشته نقلی و گذشته ساده وجود ندارد. هم گذشته ساده و هم گذشته نقلی، در باره رویدادی سخن می‌گویند در نقطه زمانی پیش از اکنون رخ داده است. ناهمسانی این دو ساخت در این است که گذشته نقلی بر پیوند میان دو نقطه زمانی، یعنی «زمان رخداد» و «چگونگی این حالت از رخداد پیشین» سخن می‌گوید. برای نمونه در جمله ۱۸:

۱۸. رضا باغی خریده است.

یک رویداد «خریدن باغ» و یک نشانه آن که «هنوز آن را در مالکیت دارد» دریافت می‌گردد. براین پایه، می‌توان دو مولفه معنایی برای ساخت گذشته نقلی در نظر گرفت: یکی معنای زمانی که بیانگر تقدم میان زمان رخداد کنش و گونه‌ای زمان ارجاع است و معنای دیگر آن است که روشن می‌سازد رخداد یا موقعیتی در پیوند با زمان ارجاع مد نظر است. برای نمونه هنگامی که جمله ۱۹ را بر زبان می‌آوریم:

۱۹. احمد این فیلم را دیده است.

به این معناست که احمد عملی را انجام داده است و آن دیدن این فیلم است که در گذشته رخ داده است. با نگرش به جمله بالا، احمد در حالتی ناشی از «دیدن فیلم» قرار دارد. آشکار ساختن معنای این ساخت و دیگر ساخت‌های کامل، با اشاره به نمود واژگانی بیشتر میسر می‌شود. این بدان معناست که جمله بالا دارای صورت کاملی از یک فعل ایستا است. از سوی

دیگر جمله‌های دارای صورت گذشته ساده دارای ویژگی‌های نمودی فعل بنیادین هستند و بنابراین می‌توانند ایستا یا غیر ایستا مانند غایتی، تحقیقی و کنشی باشند.

### ۵-۲-۳- معیار در زمانی

از دیدگاه تاریخی، در فارسی باستان صورت صفت مفعولی گذشته، آنگونه که ابوالقاسمی (۱۳۸۹: ۱۴۶) گفته است، از ریشه متعدی، غالباً از صورت ضعیف آن و پسوند *-ta* ساخته می‌شده است. در همین پیوند خانلری (۱۳۶۹: ۲۶۴) بر این باور است که ستاک ساخت‌های گذشته فارسی میانه، از صورت صفت مفعولی برگرفته از فعل که در فارسی باستان با افزودن بخش صرفی *-ta* حاصل می‌شده، ساخته شده است و در فارسی میانه این شیوه تعمیم یافته است. در فارسی میانه یا پارسیک گذشته نقلی از ستاک گذشته یعنی صفت مفعولی با صیغه‌های مضارع اخباری فعل ایستادن ساخته می‌شده است مانند: «آمد ایستید=آمده است». آنچه در گذشته نقلی کنونی به کار گرفته می‌شود تا اندازه‌ای به ساخت آن در فارسی میانه همانند است، با این تفاوت که فعل کمکی از «ایستادن» به «استن» دگرگون شده است. این ساخت نیز گرایش زمانی داشته و با زمان گذشته وابسته بوده است، مانند:

20. Ima tya mana krtam. (این کرده من است.)

### ۵-۳- کارکردهای گذشته نقلی

از ویژگی‌های برجسته رویکرد نقشی-رده‌شناختی، تأکید بر کارکرد مقوله‌های دستوری و نقش ارتباطی آنها در پدید آوردن پیوند میان سخن‌گویان یک زبان است. در این بخش به بارزترین کارکردهای گذشته نقلی می‌پردازیم. نگارندگان این نوشتار نخست کارکردهای گوناگون ساخت‌های کامل را بررسی نموده و آنها را با آنچه زبان‌شناسان در ارتباط با زبان انگلیسی بیان نموده‌اند، مقایسه کرده‌اند. بر این پایه، کارکردهای نتیجه‌ای، جهانی، تجربی و خبرداغ گذشته نقلی زبان فارسی با آنچه کامری (۱۹۷۶) و کیپارسکی (۲۰۰۲) بیان نموده‌اند، همسویی دارد، هرچند سایر کارکردهای این ساخت ویژه زبان فارسی است.

### ۵-۳-۱- کارکرد نتیجه‌ای

از دیدگاه معیار نقشی، کارکرد نتیجه‌ای گذشته نقلی، از بارزترین آنها است. با نگرش به

نمونه زیر:

۲۱. ترکیه نزدیک به ۶۰۰ نفر را به اتهام مخالفت با عملیات عفرین بازداشت کرده است.

(یورونیوز، ۱۶ بهمن ۱۳۹۶)

وضعیت حاصل شده از رخداد پیشین که از نظر زمانی، جدا شده از هم اکنون است، کارکرد نتیجه‌ای ساخت گذشته نقلی برشمرده می‌شود. از نمونه بالا چنین برمی‌آید که در نتیجه اقدام پلیس، مظنون هم اکنون در چنگ آنها است. هنگامی که حالت یا موقعیتی پیامد کنش انجام شده در گذشته داشته باشد، کارکرد نتیجه‌ای ساخت کامل بهتر آشکار می‌گردد. ساخت‌های کامل دارای کارکرد نتیجه‌ای، با قیدهایی مانند «هنوز» جمله‌های دستوری می‌سازند. در پیوند با کارکرد نتیجه‌ای ساخت گذشته نقلی این نکته قابل ذکر است که فعل جمله باید دارای نقطه پایان<sup>۱</sup> باشد و تاثیر آن تا زمان گفتار برجای مانده باشد. به سخن دیگر نتیجه، از پیوند میان حالت ناشی از مفهوم درونی واژگان و نیز از بافت گفتار به دست می‌آید. بر پایه آگاهی‌های بالا، کارکرد نتیجه‌ای ساخت گذشته نقلی، با فعل‌های دستاوردی و تحقیقی همراه است.

#### ۵-۳-۲- کارکرد جهانی

ساخت کامل انتقال دهنده معنایی است که فعل از یک نقطه زمانی در گذشته دربرداشته و تا اکنون دنبال شده است. این ویژگی گذشته نقلی را کارکرد جهانی آن می‌نامند. کامل جهانی تنها هنگامی رخ می‌دهد که فعل از گونه ایستا یا استمراری باشد. برای این کارکرد نمونه زیر گویا است:

۲۲. مردم همواره به ساختن قلعه‌های ماسه‌ای در کنار سواحل علاقه داشته‌اند. (پیکره

بیجن خان)

در پیوند با نمود واژگانی، فعل‌های تداومی دارای کارکرد جهانی هستند. زیرا این دسته از فعل‌ها به روشنی پیوستگی رخداد را از گذشته تا هنگام گفتار نشان می‌دهند.

#### ۵-۳-۳- کارکرد تجربی

بر پایه این کارکرد، از ساخت گذشته نقلی برای نشان دادن رویدادهایی استفاده می‌کنیم که هر چند در گذشته رخ داده‌اند، ولی نشانه‌ای از آنها تا کنون برجای مانده است. در پیوند با نمود واژگانی، می‌توانیم برای فعل‌های لحظه‌ای-تداومی، کارکرد تجربی متصور شویم. بنا به تعریف، این دسته از فعل‌ها، دست‌کم یک بار تا پیش از هنگام گفتار رخ داده‌اند. با این همه،

فعل‌های «پایا»، نیز دست‌کم یک بار تا پیش از هنگام گفتار رخ داده‌اند. در بررسی این دسته از فعل‌ها باید بپذیریم که اگرچه دست‌کم یک بار در گذشته منتهی به اکنون رخ داده‌اند ولی دوره پیوستگی آنها شاید فراتر از اکنون باشد و به آینده هم برسد. بر این پایه، فعل‌هایی را که دارای ویژگی «دگرگونی حالت» هستند، کارکرد تجربی دارند. در پیوند با کارکرد تجربی ساخت گذشته نقلی، بر خلاف کارکرد خبر داغ این ساخت، رخدادهایی که این گونه کارکرد را نشان می‌دهند دارای ویژگی «تکرارپذیری» می‌باشند، مانند:

۲۳. یک مقام ارشد آمریکایی هفته گذشته ضمن سفر به دمشق با یک مقام ارشد امنیت ملی سوریه دیدار و گفت‌وگو کرده است. (آفتاب نیوز، ۱۳ آبان ۱۳۹۶)

#### ۵-۳-۴- کارکرد خبر داغ

کارکرد دیگر این ساخت، خبر داغ است. نگارندگان بر این باورند که این کارکرد جدا از کارکرد نتیجه‌ای در نظر گرفته شود، چون تازگی خبر، یک موقعیت و شرایط جدیدی را بیان می‌نماید که به خودی خود انگیزش ناگهانی در شنونده یا گوینده ایجاد می‌نماید. در دو نمونه زیر این کارکرد نشان داده می‌شود:

۲۴. مریم: یه خانمی تیر خورده! به دلایلی نمی‌تونیم ببریمش بیمارستان! (سریال شهرزاد، قسمت ۱۴، دقیقه ۶)

۲۵. فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد یکی از دختران پس از پرتاب در دم فوت کرده. (خبر داغ-یورونیوز)

شگفت‌انگیز بودن یک رویداد برای شنونده یا خواننده از ویژگی‌های بنیادین این کارکرد به شمار می‌رود.

#### ۵-۳-۵- شگفت‌نمایی

کارکرد دیگر این ساخت، شگفت‌نمایی<sup>۱</sup> با ویژگی تازه بودن خبر، پیش‌بینی نشده، و غیرمنتظره، شگفت‌زدگی مخاطب، لحن قوی و فرانواخت<sup>۲</sup> و گاه همراه با تحسین و نزدیکی آن به زمان گفتار پیوند دارد. همسو با باور آیخن‌والد (۲۰۱۲)، این مقوله بی‌تردید زیرمجموعه‌ای از گواه‌نمایی به حساب نمی‌آید زیرا در بسیاری از زبان‌ها دستوری شده است. با این همه، از

1. Mirativity  
2. Overtone



این جهت با «خبر داغ» پیوند دارد که برای مخاطب اهمیت دارد، خواه خبر تازه باشد خواه هزاران سال پیش رخ داده باشد و از جهت اینکه این رخداد به هنگام گفتار نزدیک است، با آن کارکرد همانند است. افزون بر تازه بودن، شگفت‌انگیز بودن خبر، آن را از کارکرد خبر داغ متمایز می‌سازد. برای شنونده یا خواننده از ویژگی‌های بارز آن است، برای نمونه هنگامی که گفته می‌شود:

۲۵. (انفجار پیک‌نیک در منزل یکی از آشنایان و یک گفتگوی خانوادگی): امیر در بیمارستان

فوت کرده‌ها!

در کاربرد ساخت گذشته نقلی برای بیان شگفت‌نما، گوینده یا نویسنده با تغییر لحن به قصد برانگیختن احساس مخاطب، و مشاهده واکنش او معمولاً از افزوده‌ای پس از صفت مفعولی استفاده می‌کند، مانند:

۲۶. می‌گن اون‌ی که خودشو تو حرم امام منفجر کرده، یه زن بوده‌ها! (گفتگوی خانوادگی)

### ۵-۳-۶- کارکرد گواه‌نمایی

از دیگر کارکردهای بارز ساخت گذشته نقلی، گواه‌نمایی است. گواه‌نمایی، رمزگذاری زبان برای نشان دادن منشأ خبر است بدون اینکه ناگزیر به دانستن میزان اطمینان گوینده و یا درستی و نادرستی خبر وابسته باشیم. هنگامی که گوینده یا نویسنده بخواهد مطلبی را گزارش نماید که خود آن را ندیده و آزمایش نکرده‌است، چه بسا از شخص دیگری شنیده باشد و یا از روشی دیگر آن را به دست آورده باشد، او تنها بازگوکننده تجربه دیگری است و کمابیش از یکی از ساخت‌های کامل استفاده می‌نماید. هرچند اگر خود به گونه مستقیم بیننده پیشامدی بوده باشد، برای آشکار نمودن آن ساخت گذشته به کار می‌برد. به این گونه اطلاع غیرمستقیم، گواه‌نمایی گفته می‌شود. برای نمونه:

۲۷. تازه فهمیدم همه رجزهایی را هم که واسه شیرین‌خانم خونده، مزخرف بوده. (سریال

شهرزاد)

۲۸. اتفاق افتاده که خود راننده پشت چراغ قرمز اومده به شیشه زده گفته خفه کن اونو!

(برنامه دورهمی)

#### ۵-۴- گذشته نقلی و فراکنش زمانی

فراکنش زمانی<sup>۱</sup> پدیده‌ای در فارسی و برخی زبان‌های دیگر است که بر پایه آن از صورت کامل یا ساخت فعلی دیگری برای بیان رویدادی که در آینده رخ می‌دهد، استفاده می‌شود. برای نمونه در دو ساخت زیر گذشته نقلی برای بیان رویدادی که قرار است در آینده رخ دهد به کار رفته است. توانگر و عموزاده (۲۰۰۶: ۹۷) ادعا می‌کنند این پدیده ترتیب معمول حوزه گذشته، حال و آینده را به هم می‌ریزد و نتیجه آن فرافکنی یک حوزه به حوزه دیگر و تولید یک صورت تعدیل یافته کاربردشناختی است. جمله‌های ۱۵ و ۱۶ این پدیده را آشکار می‌سازد:

۱۵. فردا انتخابات را باخته‌اید. (آینده)

۱۶. تا اول بهمن از پایان‌نامه‌اش دفاع کرده است.

این برخلاف تعریف‌هایی که برای کاربرد ساخت گذشته نقلی در کتاب‌های دستور سنتی مبنی بر بیان رویدادی که در گذشته رخ داده و اثر آن تا کنون برجای مانده است.

#### ۵-۵- پیوند میان گذشته نقلی و زمان حال

زبان فارسی به گونه‌ای پیوسته‌گزینش میان نموده‌های کامل-ناقص را آشکار می‌سازد. از آنجا که گذشته نقلی یک رویداد رخ داده در گذشته را به زمان حال پیوند می‌دهد، انگیزش گواه‌آوری مبتنی بر پیامدهای کنونی را پدید می‌آورد. برخی از زبان‌شناسان مانند یس پرسن (۱۹۳۷) صورت گذشته نقلی را گونه‌ای زمان حال پنداشته‌اند. آیا صورت گذشته نقلی با زمان حال می‌تواند یکسان باشد؟ پاسخ این است که صورت گذشته نقلی تنها وضعیت کنونی را بازگو نمی‌نماید، چه بسا بیانگر جابجایی واسطه میان رویداد گذشته و وضعیت کنونی به شمار می‌رود. آنچه از راه یک صورت کامل بیان می‌گردد همان دیدگاه یا مطلبی است که مورد نظر گوینده است و به وسیله این صورت جابجایی پیدا می‌کند و شنونده نیز آن را از این صورت دریافت می‌نماید. این بار معنایی است که در ساخت گذشته نقلی نهفته شده است. افزون بر این، گذشته نقلی گونه‌ای گذشته با شمول هنگام گفتار (حال) تعریف می‌شود. به سخن دیگر، همسو با مک‌کورد (۱۹۷۸: ۱۰۳)، گذشته نقلی به گونه‌ای، «حال یک گذشته است، آنچنان که گذشته دور، گذشته یک گذشته است». با این همه، حال، تنها یک نقطه زمانی در «اکنون» است؛ هرچند گذشته نقلی برای آن رویدادی به کار می‌رود که گذشته برایش به کار می‌رفت.

1. Tense projection

## ۵-۶- گذشته نقلی، زمان یا نمود؟

هم زمان دستوری و هم نمود نشانه‌های زبانی دارند؛ اگرچه ناهمسانی در این است که نشانه‌های دستوری زمان وابستگی میان زمان گفتار و زمان ارجاع را آشکار می‌نماید، در همان هنگام، نشانه‌های نمودی نمایانگر وابستگی میان هنگام رخداد با زمان ارجاع است. از سوی دیگر زمان دستوری یک مقوله فعلی به شمار می‌رود، حال آنکه نمود لزوماً اینگونه نیست. وانگهی؛ در برابر زمان دستوری، نمود نمی‌تواند یک مقوله اشاره‌ای به شمار آید؛ اگرچه همانند زمان دستوری به گونه‌ای با "زمان تقویمی" وابستگی دارد هرچند این وابستگی همانند نیست. بر پایه آگاهی‌های بالا، چنانچه بخواهیم در باره گذشته نقلی فارسی داوری نماییم، در ساختی که آنها را زمان به حساب آوریم، بی‌گمان در گروه زمان مطلق دسته بندی نمی‌شوند، چون با معیارهای این گونه زمان‌ها همسان نیستند. به سخن دیگر چون نقطه ارجاع در این ساخت‌ها با زمان گفتار همپوشانی ندارند، نمی‌توانیم آنها را زمان به مفهوم فراگیر آن بنامیم، هرچند گرایش زمانی در آنها آشکار است. بر این پایه گذشته نقلی ساختی است که هم جایگاه زمانی دارد هم ویژگی‌های نمودی را آشکار می‌سازد. از یک سو زمان درونی دارد، زیرا موقعیتی را پیش از زمان ارجاع آشکار می‌نماید و پیوند آن را تا اکنون نشان می‌دهد و از سوی دیگر با پذیرفتن قیدهایی مانند «دیروز»، رفتار اشاره‌ای از خود بروز می‌دهد، که از ویژگی‌های زمان دستوری به شمار می‌رود.

در یک جمع‌بندی، آمیختگی و پیوند گذشته نقلی با گذشته ساده از یک سو و با زمان حال از سوی دیگر، چه از نظر صورت و چه از نظر به کارگیری قیدهایی مشترک و نیز جایگاه تکیه در تعیین نقش این صورت‌ها بی‌گمان بخش پیچیده این ساخت به شمار می‌رود. گرایش به حذف فعل کمکی و آشکار نمودن گرایش‌های زمانی و نمودی از دیگر ویژگی‌های گذشته نقلی برآورد گردید. با این که این مقوله با زمان، نمود دستوری و نمود واژگانی پیوند دارد اما به راستی شاید دشوار باشد که بتوان با کشیدن مرز روشنی، آن را زمان یا نمود نامید، هرچند داشتن ویژگی‌های زمانی و نمودی را از داده‌های گردآوری شده می‌توان دریافت. کارکردهای تجربی، جهانی، خبر داغ، شگفت‌نما، پیوند با اکنون، نتیجه‌ای، تجربی و گواه‌نمایی از بارزترین کارکردهای گذشته نقلی به شمار می‌رود. در برابر الگویی که کیپارسکی (۲۰۰۲) برای خوانش‌های گذشته نقلی انگلیسی پیشنهاد داده است، باور ما این است که کارکردهای گذشته

نقلی را در فارسی می‌توان در یک ساختار سلسله‌مراتبی به شیوه زیر پیشنهاد نمود که کارکرد «پیوند با اکنون» در رأس و سایر کارکردها به شیوه موازی هم‌نشین شوند:



شکل ۶. ساختار سلسله‌مراتبی کارکردهای گذشته نقلی

#### ۶- گذشته نقلی استمراری

گفتار پیرامون گذشته نقلی استمراری را نخست با معیار صوری آغاز می‌نماییم و در پی آن به بررسی این ساخت از جنبه معنایی و نقشی ادامه می‌دهیم.

#### ۶-۱- معیار صوری

با معیار صوری، ساخت گذشته نقلی استمراری با پیشوند نشانه نمود ناقص (استمراری) «می» همراه با اسم مفعول فعل یعنی بخش همسان همه صورت‌های کامل، و صورتی از فعل تصریفی «استن» پدید می‌آید و جملگی چهار تکواژ را در بر می‌گیرد. برای نمونه صرف سه صورت فعل «خواندن» در این ساخت بدین شیوه انجام می‌گیرد: «می‌خوانده‌ام، می‌خوانده‌ای، می‌خوانده است...». هر کدام از بخش‌های چهارگانه این ساخت، گونه‌ای معنا را به خواننده یا شنونده منتقل می‌نماید که شرح آن در بخش «معیار معنایی» خواهد آمد. در اینجا یک نمونه از کاربرد این ساخت در جمله را برای آشکار نمودن صورت آن، می‌آوریم:

۲۸... ما تمام وقت می‌خواستیم دگرگونی‌هایی در جامعه پدید بیاوریم. (زیبا کلام، ۱۴

### ۶-۲- معیار معنایی

با نگرش به این معیار، نخستین بخش معنایی این ساخت همانند سایر ساخت‌های کامل، از بخش‌های پدیدآورنده آن به دست می‌آید. بر این پایه، نشانه نخست گذشته نقلی استمراری، یعنی «می» استمرار رخداد را آشکار می‌سازد، دومین بخش یعنی صفت مفعولی، نشان می‌دهد پیشامد یا رویداد در نقطه زمانی پیش از هنگام گفتار آغاز گردیده است. همین بخش پیوند رویداد با اکنون را نیز نشان می‌دهد. بخش پایانی یعنی فعل کمکی، آگاهی‌هایی درباره زمان، نمود، وجه، و شخص به دست می‌دهد که در فعل‌های تصریف ناپذیر به چشم نمی‌خورد. افزون بر این، در زبان فارسی این فعل‌های کمکی هستند که زمان گذشته و لحظه حاضر را به یکدیگر پیوند می‌دهند. این فعل‌ها پیوند دهنده رویدادی هستند که به وسیله فعل بیان می‌شود و در زمانی پیش از هنگام کنونی رخ داده‌اند.

### ۶-۳- کارکردهای گذشته نقلی استمراری

از دیدگاه معیار نقشی، برپایه ادعای رضایی (۱۳۹۳)، در مجموع کاربرد این ساخت، به ویژه در گفتار، در اول شخص و دوم شخص بسیار نادر است با این همه، کاربرد جمله‌هایی مانند زیر در زبان فارسی موجود است:

۲۹. من همیشه از اینکه مانند دیگران باشم می‌ترسیده‌ام. (کميجانی: ۱۹۹۰: ۲۸۳)

گذشته نقلی استمراری آنگونه که در نمونه بالا آمد، استمرار یک رویداد را آشکار می‌نماید. در پیوند با این ساخت، آنچه از دیدگاه فرشیدورد (۱۳۸۲) ارزش گفتن دارد این است که ایشان از گروه اندک دستورنویسانی به شمار می‌رود که آشکارا به جای واژه زمان برای گذشته نقلی استمراری از واژه «ساخت» استفاده می‌کند. در ادامه به اختصار برخی کارکردهای این ساخت را برمی‌شماریم:

### ۶-۳-۱- کارکرد جهانی

افزون بر گذشته نقلی، کارکرد جهانی کامل را با همان تعریفی که پیش‌تر آمد، با گذشته نقلی استمراری نیز می‌توان متصور شد، برای نمونه هنگامی که می‌گوییم:

۳۰. از مدت‌ها پیش او را می‌شناختم.

همسو با دال (۲۰۱۱)، وضعیت یا فرایندی که از گذشته ادامه پیدا کرده، آشکار شده و اثرش همچنین تا هنگام گفتار برجای مانده است. او از نگاه رده‌شناختی این خوانش

ساخت‌های کامل را جهانی قلمداد می‌نماید و دریافته است این واقعیت که ساخت‌های کامل زبان هندوایرانی با خوانش جهانی این مقوله سازگاری دارد و نشان می‌دهد دو مقوله زبان‌ویژه<sup>۱</sup> یک خوانش رده‌شناختی یکسان دارند.

### ۶-۳-۲- پیوند با زمان گفتار

کارکرد پیوند با اکنون این ساخت شباهت این ساخت را با گذشته نقلی آشکار می‌نماید. با رخداد دارای فعل نقطه پایان این ساخت کامل، می‌تواند دارای کارکرد «پیوند با اکنون» باشد. برای نمونه:

۳۲. گفت که از کودکی گوشت نهنگ می‌خورده است و گمان نمی‌کند این کارش نادرست باشد. (پیکره بیجن‌خان)

آنگونه که از مفهوم جمله بالا برمی‌آید، فرد نامبرده هنوز هم از این کار دست نکشیده است و این ساخت گذشته نقلی است که این ویژگی را به مخاطب انتقال می‌دهد.

### ۶-۳-۳- کارکرد گواه‌نمایی

از بارزترین کارکردهای این ساخت گواه‌نمایی است. ویندوفور (۱۹۸۷: ۵۳۷) بر این باور است که صورت‌هایی مانند «می‌رفته» در محاوره بیانگر استنباط و گونه‌ای اطلاع دست دوم هستند. این گفته با بیان رضایی (۱۳۹۳: ۳۹) همخوانی دارد. یک نکته بنیادین در پیوند با ساخت گذشته نقلی استمراری این است گروهی از زبان‌شناسان گمان می‌کنند که برای اول شخص کاربرد ندارد. چرایی آن این است که هیچکس خودش را نمی‌تواند نبیند. گواه‌نمایی دیداری در پیوند با خود گوینده منطقی به نظر نمی‌رسد چون خود شخص نمی‌تواند خودش را نبیند. در ساخت‌های گذشته نقلی استمراری، رضایی (۱۳۹۳) باور دارد که این ساخت‌ها دارای گواه‌نمایی دستوری هستند و پیشنهاد خویش را بر پایه دو گواه پایه گذاری کرده است: نخست آنکه این ساخت‌ها تنها برای سوم شخص مفرد به کار می‌روند و دیگر آنکه وجود این ساخت‌ها دلخواهی نیست چه بسا سخنگویان ناگزیر از کاربرد هستند. با این همه، نمونه‌هایی یافت می‌شود که با این گفته همسو نیست. این ساخت می‌تواند کارکرد استمرار رویداد را نیز آشکار نماید که در بخش‌های آینده بدان خواهیم پرداخت. در زبان فارسی نشانه‌های فراوانی

چه در ادبیات گذشتگان و چه در گفتگوهای روزانه کنونی دیده می‌شود که کارکرد گواه‌نمایی را در ساخت گذشته نقلی استمراری نشان می‌دهد. نمونه زیر از پیکره بیجن خان برگزیده شده است:

۳۱...سلطان محمود اعتقاد مذهبی نداشته است و به بهانه درد مفاصل از نماز خواندن طفره می‌رفته. (پیکره بیجن خان)

در نمونه بالا، گواه‌نمایی از گونه دست دوم به چشم می‌خورد به این معنا که گوینده خود بیننده رخداد نبوده است در غیر این ساخت از ساخت گذشته نقلی استمراری استفاده نمی‌کند چه بسا از گذشته ساده بهره می‌گرفت. این کاربرد به گونه غیر مستقیم در تعاریفی که زبان‌شناسان نوین ایرانی مانند حق شناس و همکاران (۱۳۸۷: ۵۴) نشان داده‌اند آمده است. نمونه دیگری از کاربرد گذشته نقلی استمراری با کارکرد گواه‌نمایی در نمونه زیر به چشم می‌خورد:

۳۲...وارد می‌شده، مسایل آتیه‌ای که بر ذریه او می‌گذشته است را می‌گفته است و حضرت امیر هم ثبت می‌کرده است. (پیکره بیجن خان)

در نمونه‌های بالا ساختارهای نمود کامل استمراری، به نظر می‌رسد در فارسی امروزی نمی‌تواند فقط به عنوان راهکار گواه‌نمایی به شمار آیند چه بسا به گونه‌ای گواه‌نمایی دستوری دگرگون شده‌اند و کارکرد انحصاری آنها آشکار نمودن آگاهی دست دوم است. گوینده با استفاده از این گونه ساخت‌ها، خود را نسبت به درستی و نادرستی آگاهی، پاسخگو نمی‌داند زیرا این گونه آگاهی را از راه حواس خود کسب نکرده است. در همین پیوند، جهانی (۲۰۰۰: ۱۹۴) پیشنهاد کرده است که برای آگاهی‌های دیده شده، هم ساخت گذشته ساده و هم ساخت کامل استفاده می‌شود. گویا این گفته با آگاهی‌های دردسترس در فارسی امروزی هماهنگ نباشد چون هنگامی که یک سخنگوی فارسی زبان بخواهد پیشامد دیده شده‌ای را گزارش کند از ساخت گذشته استفاده می‌کند مگر آنکه خواسته باشد آن پیشامد را به اکنون پیوند دهد و یا بخواهد دریافت خود را به دیگران برساند. افزون بر این، کاربرد فعل «داشتن» در ساخت گذشته نقلی استمراری به عنوان گواه‌نمایی نیز فراوان یافت می‌گردد، مانند:

۳۳. تو خیابون داشته راه می‌رفته که به دوست قدیمیش برخورد می‌کنه .

## ۶-۳-۴- کارکرد استمرار رویداد

افزون بر کارکرد گواه‌نمایی در جایگاه یکی از بنیادی‌ترین نقش‌های این ساخت در زبان فارسی، داده‌ها نشان می‌دهد این ساخت برای بیان استمرار رویداد نیز به کار گرفته می‌شود. آنگونه که از معنای نمونه زیر دریافت می‌گردد:

۳۴. سارا: که آقا زاده شما پدرش دکتراشو از برلین شرقی گرفته و مادر جون شما که مالک این بیلاق بوده و تا از پدر و مادرها رو با یه قباله کاغذی معامله می‌کرده. (بیجن خان)

این کاربرد محدود به جمله‌های ساده‌ای که از روی شم زبانی ساخته می‌شوند، نیست. در گفتارها و نوشتارهای رسمی هم می‌توانیم چنین نمونه‌هایی بیابیم. در گفتگوهای خبری، از آن روی که گوینده‌ها تا اندازه بسیار زیادی خود را محدود به گفتن یا نوشتن مطالبی که از پیش برای آنها در نظر گرفته شده نمی‌دانند و به شیوه ناگهانی آنچه را در اندیشه خود دارند بازگو می‌نمایند و یکی از معتبرترین سرچشمه‌ها برای گردآوری داده‌ها به شمار می‌رود، نیز چنین نمونه‌هایی فراوان می‌توان یافت. در نمونه زیر از ساخت گذشته نقلی استمراری برای کارکرد استمراری استفاده شده است:

۳۵. ما همواره می‌خواستیم که جلو این مشکلات بدون خونریزی گرفته شود. (شهین ملاوردی، معاون رئیس جمهور در امور زنان)

کاربرد بالا برای اول شخص، و نشان‌دهنده گرایش زمانی این ساخت و نه گواه‌نمایی است. نمونه دیگر برای این کارکرد را در زیر می‌توان دید، اگرچه استنباط کارکرد گواه‌نمایی نیز امکان‌پذیر است، مانند:

۳۶. ...گفت که از کودکی گوشت نهنگ می‌خورده است و گمان نمی‌کند این کارش نادرست باشد. (پیکره بیجن خان)

## ۶-۳-۵- کارکرد تجربی

بررسی نمونه‌های گردآوری شده از کاربرد این ساخت، آشکار می‌نماید که بیشتر ساخت‌های گذشته نقلی استمراری در بردارنده نشانه نقطه پایانی نیستند، به سخن دیگر، فعل‌های ایستا و یا فعل‌های تداومی در آنها به کار رفته است. برپایه کارکرد تجربی کامل، یک رویداد دست کم یک بار هنگامی، پیش از اکنون رخ داده است که به زمان حال منتهی شده است. برای نمونه:



۳۷. ...صبح که می آمده روی چنار می نشسته و می گفته: قار، قار،... و صابون را می برده... (پیکره بیجن خان)

#### ۶-۴- گذشته نقلی استمراری، زمان یا نمود؟

بر پایه معناشناسی ارجاعی، تفسیر زمان این گونه است که ما آن را همچون یک پدیده ذهنی در یک زبان به شمار بیاوریم آنگاه می توانیم بپنداریم که زمان خطی است که در آن «اکنون» به گونه یک نقطه پیوسته در حال جنبش بر روی آن نهاده شده است. بر این پایه، آنچه پس از این لحظه باشد، «آینده» است و هر چه پیش از «اکنون» است گذشته پنداشته می شود. در پیوند با گذشته نقلی استمراری، شاید یکی از دشواری ها در نامگذاری آن به عنوان زمان دستوری یا نمود، این باشد که تعریف این دو مقوله آنگونه که شاید و باید متمایز کننده نیست. شیوه های گوناگون نگرش به سازه زمان درونی یک موقعیت، تعریفی که کامری (۱۹۶۷: ۳) برای نمود بیان داشته، آشکار می سازد چنین رویدادی با نقطه زمانی معینی پیوند ندارد، بلکه زمان درونی همان رویداد را نشان می دهد. بر این پایه، دشوار است ویژگی های عینی برای آن بیان نماییم. مک کورد (۱۹۷۸) به این دلیل ساخت کامل را نمود می نامد چون به باور او هیچ مقوله دستوری دیگری نیست که بتوان این ساخت را با ویژگی های خود در آن بگنجاند. با این همه ایشان نیز به تعریفی که کامری برای ساخت های کامل پیشنهاد نموده است خرده می گیرد و بر این باور است که چون ساخت های کامل به رخداد معینی پیوند دارد که بر پیش از لحظه حاضر تمرکز دارد، حسب رخداد با گذشته اشتراک دارد. او ساخت کامل را نشانه شمول<sup>۱</sup> می داند. نگارندگان، ساخت برای گذشته نقلی استمراری فارسی گرایش زمانی و نمودی قائل هستند. نمونه زیر گرایش زمان این ساخت را آشکار می سازد:

۳۸. به راستی اصل این کلمه در زبان آرامی یا عبری که حضرت عیسی (ع) بدان سخن می گفته است، چیست؟ (پیکره بیجن خان)

#### ۶-۵- گذشته نقلی استمراری و کرانمندی<sup>۲</sup>

بررسی نمونه های گردآوری شده از کاربرد این ساخت، آشکار می نماید که بیشتر ساخت های کامل استمراری در بردارنده نشانه نقطه پایانی نیستند، به سخن دیگر، فعل های ایستا

1. Marker of inclusion  
2. Telicity

و یا فعل‌های تداومی در آنها به کار رفته است. در نمونه زیر، همراه بودن قید «از سال» ضرورت دارد زیرا چنانچه نباشد، رویداد از گونه دارای نقطه پایانی می‌شود، برای نمونه می‌گوییم:

۳۹. او از سال ۱۳۹۰ در اصفهان زندگی کرد/ کرده است/ می‌کرده است.

براین پایه، دوره ۶ ساله زندگی او در اصفهان به پایان رسیده است. سخن بنیادین در این وابستگی این است که همه عناصر درگیر در یک جمله به خوانش ویژه می‌انجامد. گزینش قید تا اندازه زیادی به رفتار فعل جمله‌ای که در آن به کار می‌رود وابسته است. برای نمونه فعل «کارکردن» با قید نشان‌دهنده درازای زمان، می‌تواند ساخت گذشته نقلی را به همراه داشته باشد:

۴۰. پنج سال است که در این کارگاه کار می‌کرده است. (پیکره بیجن‌خان)

افزون براین در جمله‌هایی که قید وجود نداشته باشد، کارکرد استمرار رویداد، گواه‌نمایی یا هر دو استنباط می‌گردد:

۴۱. ...وارد می‌شده، مسایل آتیه‌ای که بر ذریه او می‌گذشته است را می‌گفته است و حضرت

امیر هم ثبت می‌کرده است. (پیکره بیجن‌خان)

## ۷- نتیجه‌گیری

در این نوشتار با کمک معیارهای زبانشناختی چهارگانه صوری، معنایی، کاربردشناختی و آوایی، ویژگی‌ها و کارکردهای ساخت‌های کامل گذشته نقلی و گذشته نقلی استمراری مورد بررسی قرار داده شد و به پیوند میان این دو ساخت و زمان دستوری از یک سو و نمود از سوی دیگر پرداخته شد. از جمله کارکردهایی که به طور مشترک برای هر دو ساخت بیان گردید، عبارتند از گواه‌نمایی، کارکرد تجربی، و استمرار رویداد. کارکردهای نتیجه‌ای، خبر داغ، فراکنش زمانی، و شگفت‌نمایی صرفاً برای گذشته نقلی تعیین گردید. در این بین، شایسته است اشاره گردد که ساخت کامل در زبان‌های انگلیسی و روسی نیز دو کارکرد نتیجه‌ای و تجربی را نشان می‌دهند، حال آنکه فراکنش زمانی ویژه گذشته نقلی در فارسی است. هم‌چنین نشان داده شد در هر دو ساخت یاد شده، ویژگی «پیوند رویداد با زمان گفتار» وجود دارد. افزون بر این، یادآوری گردید که گذشته نقلی گونه‌ای آمیختگی با زمان‌های حال و گذشته دارد و همین پیچیدگی گرایش این ساخت را علاوه بر نمود، به زمان دستوری نیز نمایان می‌سازد. داده‌ها

نشان می‌دهد گرایش زمانی و نمودی برای ساخت گذشته نقلی استمراری نیز مشهود است. در ادامه نشان دادیم کارکردهای ساخت‌های کامل گذشته نقلی و گذشته نقلی استمراری یک ساختار سلسله‌مراتبی به وجود می‌آورند که در راس آن پیوند با اکنون و در زیرمجموعه آن، سایر کارکردها پدیدار می‌گردند. گرایش به حذف فعل کمکی، نشان دادن گرایش‌های زمانی نمودی از دیگر ویژگی‌های گذشته نقلی برآورد گردید. در پایان باید متذکر گردید با این که این مقوله‌ها با زمان، نمود دستوری و نمود واژگانی پیوند دارند، اما به راستی شاید دشوار باشد که بتوان با کشیدن مرز روشنی، آنها را زمان یا نمود نامید، هر چند داشتن ویژگی‌های زمانی و نمودی را برای دو ساخت یاد شده از داده‌های گردآوری شده می‌توان دریافت.

#### کتابنامه

۱. ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۹). دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت.
۲. احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی، تهران: نشر قطره.
۳. بیجن‌خان، محمود (۱۳۸۳). پیکره متنی زبان فارسی.
۴. حق‌شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات مدرسه.
۵. خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات ستوده.
۶. دستلان، مرتضی و محمدابراهیمی، زینب (۱۳۹۳). تحلیل زمان دستوری، وجه و نمود در زبان فارسی بر اساس زبان‌شناسی شناختی (پایان نامه دکتری)، دانشگاه پیام نور مرکز.
۷. رضایتی کیشه‌خاله، محرم و غیوری، معصومه (۱۳۹۱). نوعی خاص از ماضی نقلی در شاهنامه فردوسی. فنون ادبی، سال چهارم پیاپی (۶)، شماره ۱: ۱۲-۱.
۸. رضایی، والی (۱۳۹۱). "نمود استمراری در زبان فارسی"، مجله فنون ادبی دانشگاه اصفهان: سال چهارم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۷۹-۹۲.
۹. رضایی، والی (۱۳۹۳). "گواه‌نمایی در زبان فارسی امروز" مجله پژوهش‌های زبانی، سال ۵ شماره ۱ صص ۲۱-۴۰.
۱۰. شریعت، محمدجواد (۱۳۶۷). دستور زبان فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات اساطیر.
۱۱. شفایی، احمد (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات نوین.
۱۲. شکر، گیتی. (۱۳۷۷). ماضی نقلی در گویش‌های مازندران و گیلان، نامه فرهنگستان، سال چهارم. ش ۴، صص ۶۹-۵۹.

۱۳. قریب، بدرالزمان (۱۳۸۴). گذشته نقلی و بعید متعدی در سغدی و شباهت آنها با برخی از گویش‌های ایرانی نو. ترجمه میترا فریدی. گویش‌شناسی. ویژه‌نامه فرهنگستان، ش ۲، ص ۵۴-۶۵.
۱۴. کلباسی، ایران. (۱۳۸۳). گذشته نقلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی، مجله گویش‌شناسی، ویژه‌نامه فرهنگستان، ش ۲، صص ۸۹-۶۶.
۱۵. مجیدی، مریم (۱۳۸۸). جلوه‌ها و کارکردهای نمود فعل در زبان فارسی، فصل‌نامه علمی پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، ش ۱۵، صص ۱۴۵-۱۵۸.
۱۶. ناتل‌خانلری، پرویز (۱۳۶۹). تاریخ زبان فارسی، سه جلدی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نشر نو.

17. Aikhenvald Alexandra Y. (2004). *Evidentiality*, Research Centre for Linguistic Typology, La Trobe University, Oxford University Press.
18. Allen, R. (1966). *The Verb System of Present-day American English*, The Hague: Mouton.
19. Amouzadeh, M. & Tavangar, M. (2006). "Deictic projection: An inquiry into the future-oriented past tense in Persian" in *Studia Linguistica*, Vol 60, Issue 1, pages 97-120.
20. Bybee, J., Perkins, R. & Pagliuca, W. (1994). *The Evolution of Grammar: Tense, Aspect, and Modality in the Languages of the World*. Chicago IL: University of Chicago Press.
21. Comrie, B. (1976). *Aspect, An introduction to the study of verbal aspect and related problems*. Cambridge: Cambridge University Press.
22. Comrie, Bernard (1985). *Tense*. Cambridge: Cambridge University Press.
23. Croft, W. (2012). *Verbs: aspect and casual structure*, Oxford University Press.
24. Dahl, E. (2011). Tense and aspect in Indo-iranian part 2: In *language and linguistics*: Compass 5:5, 282-296.
25. De Hann, F. (2011). "Typology of Tense, Aspect and Modality System", in *Song* (2011).
26. Givon, T. (2001). *Syntax: An Introduction*, Vol I. John Benjamins.
27. Huddleston, R. (1984). *Introduction to the Grammar of English*, Cambridge: CUP.
28. Huddleston, R. & Pullum, G.K. (2012). *The Cambridge Grammar of the English Language*, Cambridge: CUP.
29. Jahani, carina (2000). "Expressions of indirectivity in spoken modern Persian". In: *Evidentials: Turkic, Iranian and Neighbouring Languages*, Mouton de Gruyter, Berlin, pp. 185-207
30. Jespersen, O. (1937). *Analytic syntax*, University of Chicago Press.
31. Komeijani Farahani, A. (1990). "A Syntactic and Semantic Study of the Tense and Aspect System of Modern Persian" *A thesis submitted in fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy*, The University of Leeds.
32. Kyparsky, P. (2002). Event structure and the perfect. In David I. Beaver, Luis D. Casillas.
33. Lyons, J. (1977). *Semantics I-II*. London, New York & Melbourne: Cambridge University Press.

34. Mahmoodi Bakhtiary, B. (2002). *Tense in Persian, Its Nature and Use*. Lincom Europa.
35. McCoard, R. W. (1978). "The English Perfect: Tense-Choice and Pragmatic Inferences", *North-Holland Linguistic Series 38*, Amsterdam: North-Holland Publishing Company.
36. Reichenbach, H. (1947). *Elements of Symbolic Logic*. New York: Free Press; London: Collier-Macmillan.
37. Windfuhr, G. 1987. Persian. In Comrie (ed.). *The world's major languages: (523-546)*. London: Routledge.

